

بایسته‌های حجاب زنان از منظر فقه و تربیت باتوجه به ترتیب

نزول قرآن

عزیزه فاطمه صبوچی^۱، معصومه زینب حیدر^۲، مریم برقی^۳

چکیده

حجاب یکی از پرمناقشه‌ترین دستورات دینی است که در جوامع مختلف در مورد اجرا، عدم اجرا و چگونگی اجرای آن به دلیل تأثیرات گسترده فردی و اجتماعی بحث‌های فراوانی شده است. یکی از کلیدهای حل مسئله، فهم دقیق آیات حجاب است. هدف تحقیق حاضر بررسی ترتیب نزول آیات حجاب است. روش تحقیق حاضر کتابخانه‌ای بوده که باتوجه به نظرات مفسران و اندیشمندان به تحلیل موضوع می‌پردازد. بررسی‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که برای پیاده‌سازی مطلوب فقه حجاب باید ابتدا به جنبه‌های دیگر تربیتی این موضوع اهتمام ورزید. برای این موضوع باید ابتدا جنبه‌های گرایش و شناخت را با آماده‌سازی از دوران کودکی و ارائه الگوهای تربیتی، سپس مباحث معرفتی و فلسفی حجاب تقویت کرد. در پایان در بعد رفتار می‌توان انتظار داشت که حکم حجاب میان کودکان و نوجوانان پذیرفته شود.

واژگان کلیدی: قرآن، فقه، تربیت، حجاب، عفاف، زنان.

۱. دانش‌پژوه سطح چهار تفسیر تطبیقی، از کشور هندوستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: afsuhoohi@gmail.com

۲. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد مطالعات جهان، از کشور هندوستان، دانشگاه تهران.

Email: z.masoom14@gmail.com

۳. مدیر گروه علمی-تربیتی فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Borgheie@hoda.miu.ac.ir

ORCID ID: 0000000338340484

۱. مقدمه

تحقیق حاضر، مسئله حجاب را با توجه به ترتیب آیاتی که در قرآن کریم نازل شده با بررسی مباحث تربیتی پیرامون آن واکاوی می‌کند. مسئله حجاب از دیرباز در کتب و رسائل فقها بررسی شده است، اما با ورود مدرنیته و به دنبال آن، بی‌حجابی و بدحجابی در ابعاد تازه‌تری مطرح می‌شود. کتاب مسئله حجاب نوشته شهید مطهری از آثاری است که با رویکرد عقلانی و فلسفی سعی در تبیین فقه حجاب دارد. بعد از انقلاب مباحث پیرامون حجاب ادامه داشت و نویسندگان متعددی با فرضیات جدید و گوناگون این بحث را همیشه به‌روز و مناقشه‌انگیز نگه داشتند. کتاب حجاب شرعی زمان پیغمبر نوشته ترکشوند و جوابیه آن یعنی، حجاب در آیات و روایات نوشته سوزنچی از جمله این آثار است. کتاب‌های ارزشمند دیگری نیز به شکل مستقل در زمینه حجاب نگاشته شدند مانند کتاب مسئله حجاب در جمهوری اسلامی ایران نوشته علی غلامی.

مقاله حاضر با بررسی مرحله به مرحله نزول آیات حجاب، به دنبال یافتن الگویی برای تبیین حجاب در جامعه به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان است. هرچند سیر نزول آیات حجاب در مقالات و نوشته‌های دیگر بررسی شده و مقاله‌های متعددی در زمینه تربیت دینی کودک و آموزش حجاب منتشر شده است، اما بررسی هر دو موضوع و تحلیل و تطبیق آن نوعی نوآوری و از اهداف تحقیق حاضر است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. فقه

فهمیدن و دانستن رافقه می‌گویند. (جوهری، ۱۴۰۷، ۲۲۴۳/۶) در نظر راغب، فقه یعنی، استفاده کردن از مشهود و معلوم برای رسیدن به مجهول (مفردات، ۱۴۱۲، ص ۶۴). در اصطلاح قرآن، دانشی خاص شامل مسائل اعتقادی، توحیدی، رفتاری، باید و نبایدهاست که فراگیری چنین دانشی را تفقه می‌نامند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۱). فقهای معاصر، دانستن احکام شریعت از راه استدلال و برهان رافقه می‌نامند (گرچی، ۱۳۷۷، ص ۷). در نوشتار حاضر، فقه به معنای اعم

آن استفاده شده است. درالتحقیق آمده است: «فقه، فهمیدن با دقت و تأمل است و با این قید از مواردی مانند علم، معرفت، فهم و... متمایز می‌شود» (مصطفوی، ۱۴۲۶، ۱۲۳/۹).

۲-۲. تربیت

راغب، تربیت را امری تدریجی به معنی تربیت و پرورش و ایجاد حالتی پس از حالت قبلی که در نهایت به کمال برسد، می‌داند. (مفردات، ۱۴۱۲، ص ۳۳۶) در زبان فارسی، تربیت به معنای پروردن، آموختن و پرورش دادن کودک تا زمان بلوغش است. به آموختن اخلاق و آداب به دیگری هم تربیت می‌گویند (دهخدا، ۱۳۳۷، ماده تربیت).

۲-۳. حجاب

حجاب در لغت به معنای بازداشتن و مانع شدن است؛ یعنی چیزی که بین دو چیز جدایی افکند و مانع رسیدن یکی به دیگری شود. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۱۹) اصل در حجاب این است که بین دو جسم، جسم دیگری حائل شود چنانچه گناه، حجاب است بین بنده و پروردگار (الفیومی، بی تا، ۱۲۱/۱). در زبان عربی به پوشاندن و پوشش ستر می‌گویند (جوهری، ۱۴۰۷، ۱۰۷/۱). استفاده واژه حجاب برای پوشاندن به این دلیل رایج شده است که مانع دیدن است. بازداشتن و ممانعت از دسترسی و رسیدن به چیزی یعنی، حجاب، هم مادی است و هم معنوی. معنی دوم لفظ حجاب، جوف و باطن است؛ یعنی آنچه از دل پوشیده و پنهان است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۱۹). واژه حجاب هشت بار در قرآن کریم آمده و به معنای چیزی است که مانع دیده شدن (احزاب: ۵۳؛ شوری: ۵۱؛ مطفین: ۱۵) یا رسیدن چیز دیگر (اعراف: ۴؛ حدید: ۱۳؛ اسراء: ۴۵) می‌شود. در نوشتار حاضر، حجاب به معنی اصطلاحی رایج آن یعنی، پوشش زن به کار می‌رود.

۲-۴. عفاف

عفاف از ماده عفت به معنی روی گرداندن از زشتی‌ها و نگه داشتن نفس از حرام است. (طریحی، ۱۳۷۵، ۲۰۸/۳) راغب می‌نویسد: «عفاف، پیدا شدن یک حالت در نفس است که از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می‌کند» (راغب، ۱۴۱۲، ص ۵۷۳). عفت همان تقواست با این تفاوت که حفظ

نفس از تمایلات درونی و شهوات نفسانی را عفت و حفظ نفس از محرّمات بیرونی را تقوا می‌گویند (مصطفوی، ۱۳۱۸، ۱۸۰/۸).

۲-۵. ترتیب نزول قرآن

قرآن کریم در طول ۲۳ سال بر پیامبر صلی الله علیه و آله اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد. این نزول تدریجی آیات، قرآن را از دیگر کتب آسمانی مانند تورات و انجیل متفاوت می‌کند که به شکل الواحی دفعتاً نازل شدند. یکی از حکمت‌های نزول تدریجی قرآن، پاسخ دادن به نیازها و مسائل مسلمین است. همچنین با حضور مستمر جریان وحی، قلوب مؤمنین آرامش خاطر می‌یافت و مسلمانان احساس می‌کردند که عنایت الهی شامل حال آنهاست. آیات حجاب در سوره‌های احزاب و نور که از سوره‌های مدنی هستند، آمده است. احزاب، چهارمین سوره مدنی و نور، هفدهمین سوره مدنی است. (معرفت، ۱۴۲۸، ۱/۱۳۷) با فهم ترتیب نزول آیات می‌توان جریان‌ات تاریخی آن زمان را درک کرد. مهمترین نقطه قوت بررسی ترتیبی این است که مشخص می‌شود قرآن کریم چگونه امر حجاب و عفاف را در آن جامعه پایه‌گذاری کرده است. در تحقیق حاضر، آیات حجاب براساس ترتیب نزول بررسی می‌شوند.

۳. حجاب و عفاف از منظر قرآن

در ذیل آیاتی که به طور مستقیم درباره حجاب و پوشش نازل شده‌اند به ترتیب نزول بررسی می‌شوند. دلیل بررسی براساس ترتیب نزول این است که با این روند، شیوه زیست و پوشش آن زمان مشخص می‌شود.

۳-۱. آیات ۲۸-۳۴ سوره احزاب: آماده‌سازی حکم حجاب در قرآن

شأن نزول این آیات این گونه است که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از ایشان تقاضای نفقه بیشتر و زیورات و... داشتند که پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل این درخواست‌ها از آنها کناره‌گرفت و سپس آیات تخییر نازل شد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ص ۵۵۵) این آیات را می‌توان در دو مرحله بررسی کرد:

۳-۱-۱. مرحله اول: بیان موقعیت همسران پیامبر ﷺ و توضیح جایگاه آنها

در این آیات، همسران پیامبر ﷺ میان انتخاب بین زندگی با پیامبر ﷺ و زندگی دنیا و زینت‌های آن مخیر شدند. اگر آنها زندگی دنیا را بخواهند پیامبر ﷺ آنها را برخوردار کرده و به شایستگی طلاق می‌دهد (ر.ک.، احزاب: ۲۸)، اما اگر خداوند، پیامبرش و زندگی اخروی را می‌خواهند، پس بدانند که خداوند برای نیکوکاران از آنها اجر عظیمی آماده کرده است (ر.ک.، احزاب: ۲۹). اگر هر کدامشان کار زشت آشکاری مرتکب شوند دوبرابر عذاب می‌شوند و همسری پیامبر ﷺ برای آنها مصونیتی نمی‌آورد (ر.ک.، احزاب: ۳۰) و هر کدامشان خاضعانه خداوند را اطاعت کنند و کار شایسته انجام دهند دوبرابر پاداش می‌یابند و از رزق نیکو بهره‌مند می‌شوند (ر.ک.، احزاب: ۳۱).

۳-۱-۲. مرحله دوم: حکم عفاف

خداوند در ادامه سوره احزاب تأکید می‌کند: «در صورتی که رعایت تقوا کنند مانند هیچ‌یک از زنان دیگر نیستند. به همین دلیل با ناز و کرشمه سخن نگویند تا کسی که قلبش سیاه و مریض است، طمع کند و به شایستگی سخن بگویند». علاوه بر این باید دستورات دیگر را هم اجرا کنند: «باید در خانه‌هایشان بمانند همچون جاهلیت اولی خودنمایی نکنند، نماز به پا دارند و زکات دهند و همیشه مطیع خدا و رسولش باشند» (احزاب: ۳۳). «در خانه‌های خود آیات خداوند را که تلاوت می‌شود و حکمت را به یاد داشته باشند که خداوند لطیف و آگاه است» (احزاب: ۳۴).

۳-۲. بررسی و تحلیل آیات

خداوند قبل از اینکه دستوراتی ناظر به حجاب بدهد، درباره انتخاب‌های زنان پیامبر ﷺ و نتیجه هر کدام از صحبت می‌کند و بحث حجاب را ذیل یک منظومه کلی‌تر به اسم ایمان و دینداری مطرح می‌کند. اولین نکاتی که در مبحث حجاب مطرح می‌شود ناظر به گفتار و رفتار همسران پیامبر ﷺ است که با ناز و کرشمه سخن نگویند و خودنمایی نکنند. توجه به آیات قرآن نشان می‌دهد که ابتدا مباحث سلبی حجاب تبیین می‌شود؛ یعنی مباحثی که امروزه در معنای عامه حجاب (پوشاندن بدن به جز وجه و کفین) مطرح نمی‌شود و فقط در ذیل عفاف بررسی می‌شوند.

هرچند رابطه عفاف و حجاب را عموم و خصوص مطلق ذکر کرده‌اند؛ یعنی عفاف، اعم است و حجاب اخص؛ یعنی داشتن حجاب و رعایت دستورات عمل‌های پوشش فقط به معنی رعایت عفاف نیست. همچنین عفاف علاوه بر حجاب، ارکان دیگری نیز دارد (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۲۹) که در این آیه «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» (احزاب: ۳۲) دو مورد آن آمده است: «در برابر مردان، آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف نکنید» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴۶۱/۱۶)؛ «جدی و خشک و معمولی سخن بگویید» (مکارم، ۱۳۷۱، ۲۸۹/۱۷). درباره عبارت «قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» مفسران می‌گویند: «منظور از سخن نیکو، سخنی است که از تهمت به‌دور، جدی، باخسونت و به‌دور از حالت زنانه است» (طبرسی، ۱۴۱۲، ۳/۳۱۳)؛ «یعنی سخن معمول و مستقیم» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴۶۱/۱۶) و «سخنی که به‌صورت شایسته مورد رضای خدا و پیامبر ﷺ و همراه با حق و عدالت باشد» (مکارم، ۱۳۷۱، ۲۸۹/۱۷).

«وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»: سومین دستور در زمینه رعایت عفت، ماندن در خانه و نشان ندادن زینت و اندام خود به دیگران است. (مکارم، ۱۳۷۱، ۲۸۹/۱۷) تبرج به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است همان‌طور که برج قلعه برای همه هویدا است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴۶۲/۱۶). همچنین به معنای نشان دادن زیبایی به مردان نیز آمده است (طوسی، بی‌تا، ۳۳۹/۸). در آیات آخر، خداوند تأکید می‌کند که در خانه ماندن آنها منفعلانه نیست، بلکه اگر خواهان اجر عظیم هستند مانند مسلمانان دیگر باید نماز برپا دارند و زکات بدهند و از خدا و رسولش اطاعت کنند، سپس خداوند محیط خانه‌شان را هم توصیف می‌کند: «در خانه، آیات خداوند را تلاوت کنید و از حکمت بگویید». باید توجه شود که قبل و بعد از دستور حجاب، دستورات دیگری ناظر به وجود دینداری و حکمت که لازمه آن داشتن علم و بصیرت است برای همسران پیامبر ﷺ صادر شده است.

۳-۳. آیه ۵۳ سوره احزاب: وراء حجاب

بعد از نزول آیات فوق، خداوند آیه حجاب را برای همسران پیامبر ﷺ نازل کرد که البته خطاب آیه، مردان مسلمان و دستوراتی است که درباره رفت و آمد به خانه پیامبر ﷺ به آنها می دهد مانند زیاد نماندن در خانه و عدم آزار ایشان. (ر.ک.، احزاب: ۵۳) قبل از سال پنجم هجری، حجاب بر زنان پیامبر ﷺ واجب نشده بود و آنها با مردان، سر یک سفره می نشستند و سخن می گفتند تا اینکه بعد از ازدواج پیامبر ﷺ با زینب بنت جحش، حجاب بر زنان پیامبر ﷺ واجب شد و مؤمنان موظف شدند اگر چیزی می خواهند از پشت پرده آن را طلب کنند (عابدینی، ۱۳۷۹، ص ۳). در آیات بعدی، مردان محرم نسبی همسران پیامبر ﷺ جزو این قانون نبودند و همسران پیامبر ﷺ می توانستند با آنها رودررو گفت و گو کنند (ر.ک.، احزاب: ۵۵).

۳-۳-۱. تحلیل آیه

این امر که خداوند در اجرای حکم حجاب، رکن اصلی را مردان قرار داده بسیار مهم است چنان که در آیات سوره نور، اول خطاب به مؤمنین آمده است که غض بصر داشته باشند و در آیه بعدی به زنان دستورات لازم داده شده است.

۳-۴. آیه ۵۹ سوره احزاب: جلباب و شناخته شدن زنان مؤمن

هنگامی که زنان مسلمان برای خواندن نماز جماعت مغرب و عشا در شب از خانه هایشان خارج می شدند عده ای از جوانان با آزار کلامی برایشان مزاحمت ایجاد می کردند. (حویزی، ۱۳۷۵، ۳۰۷/۴) وقتی از آنها بازخواست شد، بهانه می آوردند که گمان کردند آن خانم کنیز است (برجوردی، ۱۳۶۶، ۳۷۴/۵). برای حل این مشکل آیه ذیل نازل شد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ جَاءَكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ. ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ. وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و همسران کسانی که مؤمن هستند، بگو: چادرهایشان را بر خود فروپوشند؛ این [پوشش] به اینکه [به عفت و پاکدامنی] شناخته شوند

نزدیک‌تر است و در نتیجه مورد آزار قرار نخواهند گرفت و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است» (احزاب: ۵۹).

۳-۴-۱. تحلیل آیه

خداوند متعال برای حل مشکل آزار کلامی، بانوان را از بیرون رفتن از خانه منع نکرد، حتی همسران پیامبر ﷺ که حکم ماندن در خانه داشتند برای امر مستحبی نماز جماعت خارج می‌شدند. خداوند برای در امان ماندن از آزار منافقان به بانوان دستور داد پوشش جلباب را به خود نزدیک کنند و از منزل خارج شوند تا شناخته شوند و مورد آزار واقع نشوند. (عابدینی، ۱۳۷۹، ص ۳)

۳-۴-۲. معنای نزدیک ساختن جلباب

به روایت ابن عباس منظور از جلباب، مقنعه و روسری است که زن سر و گردنش را با آن می‌پوشاند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۷۷/۲۰) برخی جلباب را لباسی بزرگ‌تر از روسری و کمتر از ردا دانسته‌اند که زن بر سر خود می‌اندازد و ادامه لباس بر سینه و بدن او می‌افتد (طریحی، ۱۳۷۵، ۲۳/۲).

۳-۴-۳. شناخته شدن

دو منظور برای شناخته شدن بیان کرده‌اند: نظر اول اینکه زنان آزاد از کنیزان شناخته شوند. خداوند با ارائه این دستور، راه شناختی بین زنان آزاد و کنیز گذاشت. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵۸۰/۸) نظر دوم اینکه به اهل عفت و حجاب و صلاح بودن شناخته شوند تا دیگر اهل فسق به آنها آزار نرسانند (طباطبایی، ۱۳۴۹: ۱۶/۳۴۰). واضح است که از آیه، اجازه آزار رساندن به کنیزان داده نمی‌شود و این حکم برای گرفتن بهانه از دست افراد فاسد است (مکارم، ۱۳۷۱، ۴۲۷/۱۷).

۳-۵. آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور: غض بصر و پنهان کردن زینت

در روایتی از امام باقر ع درباره شأن نزول این آیه آمده است: «مردی از انصار، محو دیدن چهره زنی می‌شود و مدام به پشت سر خود نگاه می‌کند که با شیء تیزی برخورد می‌کند و چهره‌اش شکافته می‌شود. پیش پیامبر ص می‌رود و جریان را نقل می‌کند. آن هنگام آیات حامل دستوراتی برای مردان و زنان مؤمن نازل می‌شوند». (مکارم، ۱۳۷۱، ۴۳۶/۱۴) براساس این آیات، مردان

مؤمن باید چشم‌های خود را فروگیرند و فروج خود را حفظ کنند. زنان مؤمن نیز علاوه بر اینکه باید چشم‌های خود را فروگیرند و فروج خود را حفظ کنند، زینت‌های خود را به جز آنچه که ظاهر است آشکار نکنند، خمارشان را بر گردنشان بزنند، زینت‌های خود را به محارمشان فقط نشان دهند، پاهای خود را محکم نزنند تا زینت‌هایشان آشکار شود» (ر.ک.، نور: ۳۰-۳۱).

۳-۵-۱. تحلیل آیه

خمار، جمع آن خمر و به معنای مقنعه است. منظور از «خمارشان را به گردنشان بزنند» این است که مقنعه را بر سینه و گردن خود ببندازند. براساس عادت جاهلیت، زنان آن زمان موهایشان را می‌پوشاندند، ولی سینه و بالاتر از آن نمایان بود. خداوند تأکید می‌کند که مواضع زینت مانند موی سر، گوش‌ها و گردن را با جلو آوردن دو طرف روسری بپوشانند (لطفی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۳). دقت در مفاد آیه روشن می‌کند که جنبه نهی آیه از جنبه امر آن بیشتر است. خداوند در این آیه علاوه بر حکم به پوشاندن گریبان و گردن، دو بار حکم داده که زینت‌ها را آشکار نکنند و به گونه‌ای راه نروند که خلخالشان دیده و صدایش شنیده شود. همان‌طور که گفته شد دو دستور آخر در دستورالعمل پوشش قرار نمی‌گیرند و در گروه رعایت عفاف دسته‌بندی می‌شوند (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۳۵).

گفته‌های خداوند در قرآن کریم گاه با خطاب «ایها الناس» شروع می‌شود که خطاب به تمام انسان‌هاست و گاه خطاب به دیگر گروه‌ها مثل کافرون. وقتی خداوند می‌خواهد مطلب خاصی را به مؤمنان بگوید مؤمنان را بدون واسطه مأمور به انجام تکلیف می‌کند مانند همین آیه شریفه. این مطلب را این‌گونه می‌توان تحلیل کرد که برای انجام آن عمل، ابتدا باید ایمان و اعتقادی پیدا شود، سپس می‌توان بر بنای آن انگیزه درونی، عملی انجام داد و کافران آمادگی انجام آن تکلیف و ورع را ندارند.

۴. تربیت حجاب و عفاف

سیر نزول آیات مشخص می‌کند که خداوند برای تبیین حجاب، مراحل را مقرر کرده است. اگر این مراحل نزول حکم فقهی را بتوان به حوزه تربیت کودکان و نوجوانان تطبیق داد، می‌توان چنین‌الگویی را برای تبیین حجاب برای کودکان طراحی کرد.

۴-۱. مرحله اول: الگوسازی

در ادبیات دینی توجه شایانی به مسئله الگودهی شده است؛ زیرا به بیان محققان، انسان به دلایلی مانند قهرمان جویی، اسطوره‌خواهی و کمال‌گرایی، همیشه زمینه‌های تقلید را دارد. خداوند در قرآن کریم دستور پیروی از «قدوه» را داده است: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ اقْتَدِهْ» (انعام: ۹۰) و حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را اسوه مؤمنان معرفی کرده است. یکی از وظایف والدین این است که فرزندان عقیف به جامعه تحویل دهند و در دوران کودکی این سنجیه انسانی را با رفتار خودشان در ضمیر فرزندان پرورش دهند و شرایط آن را ایجاد کنند. ملکه عفت مانند سدی محکم از طغیان و تجاوز حدود جلوگیری می‌کند (فلسفی، ۱۳۸۷، ۲/۳۲۹). در زمینه حجاب نیز از آنجا که خداوند دستور دعوت را ابتدا برای عشیره و اقربا صادر کرد حکم حجاب را هم ابتدا به همسران پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اختصاص داد. واضح است که همسران پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مانند زنان عادی نیستند: «لستن کا حد النساء» و در جایگاه الگودهی به سایر زنان نیز هستند. خداوند ابتدا الگوها را شکل می‌دهد و پس از گذر چند سال حکم پوشش را به عموم اعلان می‌کند. این تأخیر چندساله را می‌توان چنین تحلیل کرد:

- الگوبری از همسران پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باعث می‌شود که مسلمانان بدانند که حکم حجاب، شدنی است و امر غیرممکنی نیست؛

- این حکم باعث شرافت و نوعی مصونیت و بزرگی است نه محدودیت؛

- وقتی همسران پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌توانند مرحله سخت‌تری از حجاب را انجام دهند سایرین هم

می‌توانند به درجه سبک‌تر عمل کنند.

ویژگی الگوپذیری، کار را برای پیرو راحت تر کرده و او را از تردید و سرگردانی در انتخاب مسیر نجات می دهد. (کاشمیری، ۱۳۷۹، ص ۱۴۱)

۴-۱-۱. اهمیت الگو در تربیت کودکان

کودکان به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه در پی تقلید از یک مدل هستند و آن را سرمشق و الگوی خود قرار می دهند. این الگوها دایره ای به وسعت والدین و معلمین تا شخصیت های محبوب فیلم ها را شامل می شود. عمده رفتار اجتماعی کودکان بر اثر مشاهده مستقیم از الگوها تقلید می شود. تقلید از بزرگ ترها در بازی های کودکان در نقش مادر، پدر، پزشک و معلم مشهود است. باید گفت که تقلید، امر پیچیده ای است. ممکن است کودک رفتاری را مدت ها قبل ببیند و در زمان و شرایط متفاوتی بروز دهد. از این نظر، روش الگو برای همه و به ویژه در مرحله سیادت و اطاعت، سازگارترین و مؤثرترین روش معرفی شده و در قرآن از آن استفاده شده است. (مطیعی، ۱۳۹۲، ص ۲۵۲) این روش به دلیل علاقه مربی و متربی، مؤثرترین و سریع ترین روش آموزش است و مهمتر از همه چون غیرمستقیم است کودک احساس نمی کند که امری به او تحمیل می شود و خود او مشتاقانه و داوطلبانه به دنبال انجام عمل است. این از قانون محاکات هم است که در بزرگ ترها هم دیده می شود. پیروی از جمع یعنی، انسان از کسی چیزی را بدون دلیل و برهان بپذیرد. همین قانون است که والدین عقیف، بچه های عقیف تربیت می کنند. بچه ها از رفتار بزرگان خود شیوه برخورد با جنس مخالف را یاد می گیرند (مظاهری، ۱۳۷۹، ص ۴۰۲).

تقلید از بدو تولد شروع می شود، تا دوسالگی کور کورانه است و بازتاب اعمال اطرافیان است. از دو تا هفت سالگی تقلید کودکان در فعالیت های تخیلی، خود را نشان می دهد. کودک در بازی، نقش والد، پزشک و معلم را ایفا می کند. بعد از هفت سالگی، کودک برای فعالیت های خود استدلال و بهترین الگو را انتخاب می کند. از این رو این دوره را دوره اقتباس هم می نامند. (عباسی مقدم، ۱۳۹۱، ص ۵۳)

۴-۱-۲. آسیب‌شناسی تربیت الگویی

اگر کودک میان الگوها اصطکاک و تضاد ببیند سردرگم می‌شود و نمی‌تواند بین گفتار و رفتار الگو یکی را انتخاب کند. در نتیجه به‌طور کلی، اعتمادش را از دست می‌دهد یا اگر انتخاب کند کفه ترازو بیشتر به سمت تقلید از رفتار سنگینی می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر عالم به علم خود عمل نکند مواعظ او به سرعت از قلب‌ها زایل می‌شود مانند زایل شدن باران از جای صاف و صیقلی» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۹/۲). مسئله بعدی، تعارض میان الگوهاست. الگوهای کودک شامل والدین، فامیل و حتی در مدرسه و خانه و یا شخصیت‌های کارتون‌ها باید در رفتار و گفتار هماهنگ باشند. درغیراین صورت تعادل روح و روان از بین می‌رود و فرزندان را فردی دوچهره بار می‌آورد (مطیعی، ۱۳۹۲، ص ۲۵۶).

۴-۱-۳. تربیت الگویی حجاب

باتوجه به این مورد که حکم حجاب به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله چند سال قبل‌تر از حکم حجاب عمومی صادر شد، می‌توان در یک تعبیر ذوقی چنین بیان کرد که کودکان نیز باید چند سال در معرض مشاهده رفتار بزرگ‌ترها قرار گیرند. این امر با یافته‌های علم روان‌شناسی نیز هماهنگ است. کودک باید ببیند الگوهای او که مهمتر از همه شامل مادر و مربی است به حجاب اهتمام می‌ورزند. هرچند در تعبیر قرآنی و باتوجه به آیاتی که خداوند خطاب به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرد این الگوهای معنوی انتخابشان آگاهانه و مشتاقانه است. مادرانی که فعالانه و آگاهانه انتخاب کرده‌اند که در جرگه مؤمنان باشند مشتاق اجر عظیم از جانب خداوند هستند، رفتار جاهلی و واپس‌گرا ندارند، به شایستگی صحبت می‌کنند، خانه‌های خود را با تلاوت آیات و ذکر حکمت روشنی می‌بخشند و از جنسیت خود راضی و شاکر هستند، نه تنها برای فرزندان خود که برای اطرافیان هم الگو و اسوه هستند.

امر دیگر درباره تربیت الگویی این است که کودک منطق و رفتار مادر را درک کند؛ زیرا دانستن دلیل کار، باعث می‌شود یک رفتار درون کودک نهادینه شود. برای مثال مادران باید به کودکان خود توضیح دهند که جلوی چه کسی حجاب دارند یا ندارند. برای مثال با صدای بلند بگویند:

«چون الان بیرون می‌رویم من آرایشم را می‌پوشانم یا پاک می‌کنم». مسئله تزاحم و تعارض الگوها، بحث جدی در روان‌شناسی است. اگر کودک احساس کند الگوی اصلی او شکست خورده، منفعل و عقب‌مانده است دیگر تقلید نمی‌کند. باید توجه داشت که شخصیت‌های کارتونی و فیلم‌ها نیز به دلیل جذابیت بصری و داستانی در کودکان بسیار مقبول هستند. والدین باید مراقب مصرف محصولات رسانه‌ای کودکان باشند و با راهکارهایی مانند آگاه‌سازی، دادن الگوهای مذهبی و تنظیم سبد مصرفی بر این چالش غلبه کنند.

گاهی اوقات، تعارض میان الگوها این‌گونه خود را نشان می‌دهد که مادر، دختر کوچکش را می‌آراید و لباس و زیورآلات او را به افراد خانواده (چه محرم و چه نامحرم) با ذوق نشان می‌دهد یا در صفحه مجازی می‌گذارد. دختر خردسالی که برای پوشیدن لباس‌های دلبرانه و آراستن خود تشویق می‌شود، وقتی بزرگ‌تر شد نیز همین رفتارها را نشان می‌دهد، اما مورد غضب اهل خانه قرار می‌گیرد و سردرگم می‌شود چون حدود مرز کارها برایش تبیین نشده است.

۴-۱-۴. بایسته‌های الگوهای قرآنی برای حکم حجاب

خداوند قبل از دستور ماندن در خانه برای زنان پیامبر ﷺ مقدماتی را بیان می‌کند که عبارتند از:
- الگوهای معنوی آگاهانه انتخاب کنند؛

- زندگی مؤمنانه، عرصه انتخاب میان حیات ابدی و زندگی دنیوی است که در یک طرف خدا، رسولش، سعادت ابدی و اجر عظیم و در طرف دیگر، زینت‌های دنیاست؛

- الگوهای معنوی از پیامدها و اثرات انتخاب خود آگاه هستند و برای همین، هر کاری را براساس دلیل محکم انجام می‌دهند؛

- الگوهای معنوی، بیش از همه و قبل از هر چیزی، عفت را رعایت می‌کنند؛ یعنی بدون نرمی و طنازی صحبت می‌کنند، سخن شایسته و معروف می‌گویند؛

- الگوهای معنوی مانند زمان جاهلیت تبرج نمی‌کنند، نماز می‌خوانند و به نیازمندان زکات می‌دهند، آنها مطیع خداوند و رسولش هستند، در خانه‌هایشان تلاوت آیات و حکمت می‌کنند؛

-الگوهای معنوی ارزش‌های حقیقی را زنده نگه می‌دارند.

بعد از آیات سوره احزاب که خداوند به همسران پیامبر ﷺ دستوراتی مانند ماندن در خانه، ذکر تلاوت قرآن و... را صادر کرد در آیه بعدی درباره مشترک بودن ارزش‌های دینی و کمالات انسانی بین زن و مرد سخن می‌گوید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالْحَافِظِينَ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ مسلماً خدا برای مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان باایمان و مردان و زنان عبادت‌پیشه و مردان و زنان راست‌گو و مردان و زنان شکیبیا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه‌دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان حفظ‌کننده خود از پلیدی‌های جنسی و مردان و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند آموزش و پاداشی بزرگ آماده کرده است» (احزاب: ۳۵).

این آیه براساس روایت، بعد از درخواست اسماء بنت عمیس از پیامبر ﷺ نازل شده است؛ یعنی حدود سال هفتم هجری (حویزی، ۱۳۷۳، ۲۷۷/۴) و ممکن است از نزول آیات پیشین چند سال گذشته باشد، اما در هر صورت، ذکر آن به فراخور تناسب موضوع و تکمیل مبحث عفاف خالی از حکمت نیست.

عفاف، حالتی درونی است که انسان را از محرمات نگه می‌دارد، اما مرحله بعدتر دوری از محرمات، آراسته شدن به خصلت‌های نیکوست. تسلیم‌پذیری در مقابل خدا، ایمان، عبادت، صداقت، صبر، فروتنی، صدقه دادن، روزه گرفتن و یاد خدا ویژگی‌های مشترک میان زن و مرد هستند که اجر عظیم را در پی دارند. الگوهای معنوی هم از جنبه سلبی دوری از محرمات و هم از نظر ایجابی عمل به وظایف فردی و اجتماعی خود زیانزد هستند.

۴-۲. مرحله دوم: شناخت

بعد از گذر چند سال از دستور حجاب به همسران پیامبر ﷺ و متعلقات آن، زنان مؤمن هنگام شرکت در اجتماع، مورد آزار منافقان و مریضان قلبی قرار می‌گرفتند که برای شناخته شدن و عدم

آزار و اذیت آنها خداوند دستور داد که جلباب به سر کرده و آن را به خود نزدیک کنند. این دستور در واقع درخواستی از جانب زنان بود که می خواستند در جامعه با آرامش روانی حضور یابند و خداوند نیز راه حل را در پوشیدن جلباب ارائه داد که براساس روایت، مورد استقبال زنان انصار نیز قرار گرفت.

۴-۲-۱. تبیین عقلی و شناختی حجاب

اول. آرامش روانی جامعه

اگر بی بندوباری در جامعه مجاز شود جامعه با موجی از تقاضاهای جنسیت زده مواجه می شود که پایانی هم ندارد؛ زیرا این گزینه ابعاد جسمی و روحی دارد. بعد جسمی را می توان با برطرف کردن نیاز پاسخ داد، اما اگر نیاز روحی تبدیل به عطش یا همان هوس شده باشد کنترل آن بسیار سخت می شود. گزینه جنسی، دریا صفت است؛ یعنی هرچه از آن بیشتر بهره گرفته شود عطش را بیشتر می کند. تاریخ، نمونه های فراوانی از پادشاهان و خسروان دارد که در حرمسرای خود هرگونه تمتعی داشتند، اما سیری ناپذیر بودند. به لطف مدرنیته غربی دیده می شود که امروز نیز در جامعه کسانی هستند که به اندازه پادشاهان گذشته از زن ها بهره کشی می کنند و غرایزشان حدود مرزی نمی شناسد. علت زیاد مشکلات روانی در غرب همین بی بندوباری روابط و برهنگی است. اسلام برای تعدیل این گزینه حدود معین کرده و نگاه به نامحرم را هم برای مرد و هم برای زن حرام قرار داده و به زنان دستورات دیگر هم اضافه کرد مثل اینکه تبرج نکند. (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۸۴)

دوم. حفظ ارزش و احترام زن

در وضعیت استاندارد، زن و مرد فقط در قالب زن یا مرد بودن در جامعه حاضر نمی شوند، بلکه برای تعاملات ضروری مانند امور اداری، امرار معاش، تحصیل و... است و این اختصاصی به جنسیت ندارد، بلکه وجه مشترک آن، انسانیت زن و مرد است. در صورت رعایت دستورالعمل های پوشش توسط زن و مرد هر دو با یکدیگر تعامل خواهند داشت، اما اگر زنی بخواهد با نوع پوشش

و آرایش خود، جنبه زنانه شخصیت خود را پررنگ کند، پس دیگران را به تعامل با جنسیت خود فراخوانده است نه با انسان بودن خود. این امر باعث کاهش جایگاه و احترام زن و مخدوش شدن جنبه انسانی شخصیت او می‌شود.

سوم. تمایز انسان از حیوان

تمایز انسان از حیوان زمانی آغاز شد که او به حیات فرهنگی روی آورد. این حیات فرهنگی باعث شد که انسان با وجود مشترکات با حیوانات از آنها متفاوت شود. این تفاوت در شیوه غذا خوردن خود را نشان می‌دهد که با وجود مشترک بودن اصل و کارکرد آن در سبک غذا خوردن متفاوت است. این تفاوت در بحث غریزه جنسی و پوشش نیز خود را نشان می‌دهد که از آن به حیا و عفت تعبیر می‌شود. امری که حیوانات فاقد آن هستند و محدوده‌ای برای خود قائل نیستند.

چهارم. انحصار روابط در خانواده

میان تبرج و خودآرایی، ارتباط با نامحرم و حفظ نگاه با محدود شدن رابطه زناشویی در خانواده رابطه مستقیم وجود دارد. دین با کنترل ارتباطات میان نامحرم می‌خواهد زمینه‌های رابطه زناشویی خارج از چارچوب خانواده را از بین ببرد. در این صورت با انحصار این نوع رابطه در خانواده و نبود مقایسه و گزینه‌های دیگر، امتیاز و اهمیت خانواده بیش از پیش حفظ می‌شود.

پنجم. بهره‌وری جامعه

اگر فضای اجتماع جنسیت‌زده نبوده و از این حواشی دور باشد کارایی آن در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی افزایش می‌یابد. (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۶۳)

۴-۲-۲. تبیین ضرورت برای کودکان

یکی از پایه‌های اساسی تربیت، عادت به تعقل و تفکر در میان کودکان است. در قرآن کریم نیز بدترین جنبنندگان آنهایی معرفی شده‌اند که تعقل نمی‌کنند. والدین برای نهادینه کردن حجاب در کودکان باید فلسفه پوشش و ضرورت عفاف را با بیان و اندازه فهم کودکانه با آنها در میان بگذارند؛ همان‌طور که در تربیت اخلاقی، یکی از مهمترین ارکان معرفت‌دهی و آگاهی بخشی به

متربی برای اصلاح رفتار و اخلاق اوست. علمای اخلاق این مسئله را این‌گونه دسته‌بندی می‌کنند که ابتدا متربی از خوب و بد بودن صفات و رفتارها آگاه شود و آثار و عوارض آن رفتارها و کارها را بداند. مری این موارد را برای او بیان کند و او را فعالانه در این مورد به فکر وا دارد، سپس متربی می‌تواند زشت را از زیبا و درست را از نادرست تشخیص دهد و به آشنایی کافی برسد. در نهایت مری باید ارتباط هر مورد اخلاقی را با کمال، شرافت و عزت نفس انسانی برای متربی آشکار کند و رابطه رذالت‌های اخلاقی را با پستی و حقارت انسان و بیماری‌های روانی وی روشن کند. (خلجی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۲)

ایجاد شناخت در کودکان، ظرافت‌هایی با فرد بزرگسال دارد. اگرچه ذهن کودکان نمی‌تواند مباحثی مانند فلسفه حجاب، تبرج و... را درک کند، اما برخلاف تصور اولیه، کودکان می‌توانند مفاهیمی مثل چرایی آرایش، زیبایی حقیقی و مسائل زیبایی‌شناختی را درک کنند. همان‌طور که طی برنامه فلسفه برای کودکان، مطالب قابل توجهی درباره مسائل زیبایی‌شناختی، حقیقت زشتی و زیبایی تدوین شده و نویسندگان با توجه به دیدگاه‌هایشان برای کودکان این مسائل را ساده‌سازی می‌کنند. (کایر، ۲۰۱۵، ص ۵۳) تحقیقات نشان می‌دهد آموزش فلسفه، تأثیر مثبتی بر پرورش باورهای زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان دارد (ایمان‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۶۲).

۳-۴. مرحله سوم: بیان حکم خدا و حدود پوشش

در مرحله صدور حکم شرعی و وجوب حجاب، خداوند ابتدا خطاب به مردان مؤمن فرمود که از نگاه‌هایشان بکاهند و شرمگاه‌هایشان را بپوشانند که برایشان پاکیزه‌تر است. در آیه بعد خطاب به زنان مؤمن علاوه بر دو حکم فوق، پنج حکم دیگر افزود که عبارتند از: پوشاندن (محل) زیور و زینت، پوشاندن گریبان با روسری، پوشاندن زینت به جز آنچه که ظاهر است و نزدن پاها هنگام راه رفتن.

۳-۴-۱. تعبدی بودن احکام

در مرحله عمل، یکی از مسائل قابل توجه، بعد تسلیم‌پذیری در اجرای فرمان‌های الهی است. درست است که اندیشمندان به قدر بضاعت از فلسفه بسیاری از احکام سخن می‌گویند و باید هم

بگویند تا بتوان هم روح و ماهیت آن حکم الهی را حفظ کرد و هم آن را بهتر اجرا کرد، اما نباید فراموش کرد که دلیل اجرا، دانستن فلسفه و فایده آن نیست، بلکه تسلیم‌پذیری مؤمنان در مقابل فرامین الهی است. همان‌طور که در بسیاری از جزئیات احکام مانند نماز و روزه پرسش نمی‌شود در این مقوله هم باید سر تسلیم فرود آورد.

۴-۳-۲. حجاب حق الله است

حجاب با وجود اینکه مسئله‌ای اجتماعی است، اما حق الناس نیست. خداوند حفظ حرمت زن را نه در اختیار مرد قرار داده و نه در اختیار زن، بلکه آن را حق الهی دانسته و هم زن و هم شوهر را مسئول نگهداشت و قائم بر این امر قرار داده است. چشم‌پوشی و رضایت هر کدام از افراد خانواده موجب سلب این حق نمی‌شود و اگر هتک حرمتی نسبت به این حق صورت گیرد همه مسئول هستند. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۰)

۴-۳-۳. بیان حکم خدا برای کودکان

در این مورد نیز با رعایت اصل تدریج می‌توان کودکان به‌ویژه دختران را آماده اجرای حکم خداوند کرد همان‌طور که در احادیث آمده است اهل بیت علیهم‌السلام از بوسیدن و بغل کردن دختران شش‌ساله توسط مردان نامحرم منع می‌فرمود (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۰/۲۲۹)؛ هرچند حکم به رعایت حجاب نمی‌داد یا مانع حضور آنها در جمع مردان نمی‌شد. این مسئله برای پسران هم صدق می‌کند. در احادیث، زنان نامحرم از بوسیدن پسران بالای هفت‌سال منع شده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۳/۴۳۷). توجه به این خط‌قرمزها علاوه بر اینکه کودکان را از آزار بیماردلان محفوظ می‌کند در آنها ایجاد حس بزرگ بودن کرده و آمادگی پذیرش حکم اصلی را ایجاد می‌کند. در آموزش به کودکان توجه به دو اصل بسیار مهم است: یکی اینکه روش کار باید با رفق و مدارا همراه باشد. همان‌طور که روزه‌داری والدین، کودکان را تشویق می‌کند تا جایی که می‌توانند روزه را نگه دارند و قبل از بلوغ عادت به روزه‌داری می‌کنند در حجاب نیز والدین باید کودکان را به تدریج آماده کنند تا آنها زیر

فشار زیاد قرار نگیرند. اصل دوم، تداوم و استمراربخشی است. تداوم یک عمل هرچند کم، باعث می‌شود انجام آن کار برای کودکان ملکه شود (مظفر و سیفی کناری، ۱۳۹۹، ص ۴۱).

این امر را برای حجاب می‌توان این‌گونه تطبیق داد که والدین به تدریج خط‌قرمزهای محکم و تخطی‌ناپذیر را با ملایمت برقرار کنند تا در کودکان آمادگی حجاب ایجاد شود. والدین باید توجه کنند که هیچ‌گاه حتی در سنین بزرگسالی نمی‌توان حجاب خاصی را تحمیل کرد. بهتر است حد پوشش که همان حدی است که خداوند ابلاغ کرده معیار والدین باشد، ولی کودکان و نوجوانان در انتخاب نوع پوشش آزاد باشند، البته این امر نیز برای هر خانواده و برای هر کودک فرق می‌کند و آنچه ثابت است این است که تحمیل حکم کارگشا نیست.

۵. نتیجه‌گیری

مسئله زیربنایی و اصلی حجاب، رعایت عفاف است. رعایت عفاف وقتی متوجه بانوان می‌شود به این صورت تبلور پیدا می‌کند که در جامعه به شکل معروف حاضر شوند؛ یعنی از خود شخصیتی جدی، مستقیم و به دور از هرگونه رفتار و گفتاری که در دل مغرضان ایجاد شبهه کند به‌نمایش بگذارند. خداوند در آیات حجاب به ارزش‌های حقیقی تأکید می‌کند که مرد و زن در کسب مدارج کمال و تعالی با یکدیگر برابر هستند و آنچه باید در جامعه رواج داده شود تلاش برای کسب همین سجایای دینی و اخلاقی است نه مسابقه در تبرج و فتنه‌انگیزی. خداوند از زنان و مردان مؤمن می‌خواهد که با پرهیز از جنیست‌زدگی با شخصیت انسانی و ایمانی خود در جامعه حضور پیدا کنند.

بعد از حکم به همسران پیامبر ﷺ خداوند از مردان نیز می‌خواهد که حفظ حریم کنند و اگر چیزی می‌خواهند یا صحبتی دارند از پشت حجاب همان پرده مطالبه کنند. توجه به این نکته روشن می‌کند که حجاب، امری دوطرفه است. خداوند هم به زنان حکم به عفاف می‌دهد و هم به مردان و اگر از میان این دوطرفی به وظیفه‌اش عمل نکند طرف دیگر مجاز به زیر پا گذاشتن حکم خدا نیست. در مرحله بعد وقتی حضور بانوان در جامعه برای رفع نیازهای شخصی و انجام

اعمال عبادی با مزاحمت منافقین روبه‌رو می‌شود خداوند با اینکه به بانوان، نزدیک کردن جلابیب به خودشان را می‌خواهد تا آنها به پاکدامنی و عفت شناخته شوند در آیات بعد منافقین را در بیانی شدیدالحن به اخراج از مدینه تهدید می‌کند. در پایان طی آیات سوره نور، خداوند حکم حجاب را نازل می‌کند و این بار نیز ابتدا از مؤمنان می‌خواهد که از نگاه‌های خود بکاهند که اگر تقاضایی در جامعه وجود نداشته باشد عرضه هم پایدار نمی‌ماند، سپس از زنان مؤمن نیز می‌خواهد عرضه‌ای ایجاد نکنند تا تقاضایی به وجود بیاید.

در بعد تربیتی می‌توان بررسی آیات حجاب را این‌گونه تحلیل کرد که خداوند ابتدا گرایش را با ایجاد الگو جهت‌دهی می‌کند و سپس جامعه را به درجه‌ای هدایت می‌کند که متوجه ضرورت حجاب شود و درک کند که با رعایت پوشش به چه مزایایی دست می‌یابد و سپس در حکم نهایی آن مرزبندی برای کنترل و محدوده رفتار مؤمنان هم زن و هم مرد را مشخص می‌کند. مسئله الگودهی، ساحت گرایش را که مهمترین گرایش در انسان است پوشش می‌دهد. همان‌طور که در خانواده، والدین باید مراقب باشند که از خود چه الگویی برای کودکان نمایش می‌دهند متولیان و مسئولان جامعه نیز باید آگاه باشند که چه کسانی را برای الگوی دختران و پسران در جامعه مطرح هستند. واضح است که این امر سلبریتی‌های سیاسی، ورزشی و فضای مجازی را شامل می‌شود. علاوه بر این باید مراقب باشند شخصیت‌های پرطرفدار تخیلی در انیمیشن، سریال و سینما چه الگویی از زن و مرد مسلمان ارائه می‌دهند. خداوند ابتدا همسران پیامبر ﷺ را به عنوان الگو در جامعه در امر حجاب پیش قدم می‌سازد سپس به دیگر زنان مومن دستور حجاب می‌دهد. در جامعه‌ای که بر اثر ولنگاری فرهنگی، الگوها مغایر با ارزش‌های سنتی و دینی شده است و الگوی جایگزین هم وجود ندارد، نمی‌توان انتظار پاسداری از ارزش‌های الهی داشت. در مرحله بعد کم‌کم باید ضرورت حجاب برای کودکان تبیین شود. نهادینه کردن عفت و توجه به ارزش‌های حقیقی مسائلی هستند که باید هم‌زمان به دختران و پسران آموزش داده شود. در نهایت کودکان وقتی به رشد و بلوغ عقلی نزدیک شدند از آنها خواسته شود که دستورات خداوند را اجرا کنند؛ زیرا او مالک و رب حقیقی است و انسان‌ها بندگانش مطیع امر او هستند.

حجاب در اصل آن پوشش نیست که خانم‌ها خودشان را با آن بپوشانند، بلکه حجاب آن پدیده‌ای است که اول آقایان و بعد خانم‌ها بر رفتار و گفتار و نگاهشان باید بیافکنند تا هر چیز را هرگونه (ابصار) که بخواهند، نبینند که نتیجه آن، عفت و حیاست که در جامعه باید رواج پیدا کند. رعایت محدوده پوشش بدون توجه به بعد سلبی حجاب و زیر پا گذاشتن عفاف به استهزا گرفتن این مفهوم متعالی است. همان مسئله‌ای که متأسفانه در فضای رسانه‌ای و مجازی و بالتبع آن در فضای جامعه به وفور مشاهده می‌شود. سؤالی که با بررسی آیات حجاب نیازمند بررسی بیشتر است، اینکه با توجه به آیات، وظیفه حکومت دینی در بیان قرآنی در مقابله با بدحجاب چیست. قرآن کریم اولویت برخورد را با بیماردلانی که برای زنان مؤمن مزاحمت ایجاد می‌کنند، می‌داند یا مواجهه دیگری را پیشنهاد می‌دهد. بررسی این موضوع نیازمند تحقیق جداگانه‌ای است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: انتشارات امیرالمؤمنین.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
 ۲. ایمان نژاد، معصومه، ایمان زاده، علی، تقی پور، کیومرث، و طهماسب زاده شیخار، داوود (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش فلسفه به نوجوانان بر پرورش باورهای زیبایی‌شناختی و قضاوت‌های اخلاقی دانش‌آموزان دوره متوسطه. نشریه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۴، (پیاپی ۱۳)، ۳۷-۶۸.
 ۳. بروجردی، محمدابراهیم (۱۳۶۶). تفسیر جامع. تهران: کتابخانه صدر.
 ۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). زن در آینه جلال و جمال. قم: مرکز نشر اسراء.
 ۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). دین‌شناسی. قم: مرکز نشر اسراء.
 ۶. جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷). الصحاح تاج اللغة. بیروت: دار العلم للملایین.
 ۷. حراملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت.
 ۸. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نورالثقلین. قم: انتشارات اسماعیلیان.
 ۹. خلجی، حسن (۱۳۹۰). شیوه‌های مؤثر نهادینه کردن حجاب در کودکان و نوجوانان. نشریه طهورا، سال چهارم، شماره ۸، ۱۵۰-۱۸۰.
 ۱۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۷). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
 ۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار الشامیه.

۱۲. زینب، مظفر، و سیفی کناری، فاطمه (۱۳۹۹). تأثیر الگو در تربیت عبادی کودک. نشریه مطالعات دین پژوهی، سال چهارم، شماره ۷، ۱۲-۶۵.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲). تفسیر جوامع الجامع. قم: حوزه علمیه، مرکز مدیریت.
۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: انتشارات مرتضوی.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. عابدینی، احمد (۱۳۷۹). سیری در آیات حجاب. نشریه فقه، شماره ۲۳، ص ۳.
۱۹. عباسی مقدم، مصطفی (۱۳۹۱). نگاهی به ابعاد مفهومی و کارکردی الگو و اسوه در تربیت و تبلیغ دینی. نشریه تربیت تبلیغی، سال اول، پیش شماره ۱، ۴۵-۶۶.
۲۰. غلامی، علی (۱۳۹۱). مسئله حجاب در جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
۲۱. فلسفی، محمدتقی (۱۳۸۷). گفتار فلسفی. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. فیض کاشانی، محمد (۱۴۱۸). محجه البیضا. قم: جامع المدرسین.
۲۳. الفیومی، ابوالعباس (بی تا). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. بیروت: مکتبه العلمیه.
۲۴. گرچی، ابوالقاسم (۱۳۷۷). تاریخ فقه و فقهها. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه‌ها (سمت).
۲۵. لطفی، اسدالله (۱۳۹۰). آیات الاحکام خانواده. تهران: انتشارات خرسندی.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. مصطفوی حسن (۱۳۱۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). مسئله حجاب. تهران: صدرا.
۲۹. مطیعی طالقانی، سهیر (۱۳۹۲). فرهنگ تربیت جوان. قم: نشر روضه العباس.
۳۰. مظاهری، حسین (۱۳۷۹). تربیت فرزند از نظر اسلام. قم: انتشارات روحانی.
۳۱. معرفت، محمدهادی (۱۴۲۸). التمهید فی علوم القرآن. قم: انتشارات التمهید.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۳. موسوی کاشمری، سیدمهدی (۱۳۴۲). روش‌های تربیت. قم: بوستان کتاب.
34. Cayır, N. A. (2015). Beauty and Art concepts in the books on philosophy for children. *Global Journal of Arts Education*, 5(2), 46-53.